

ترکیب آثار هنری و تناسب طلائی

هوشنگ سیحون

بر اساس نظریه‌های متخصصین و پژوهشگران هنرهای هفتگانه که عبارتند از: ادبیات، موسیقی، نقاشی، مجسمه سازی، معماری، رقص و سینما به دو دسته تقسیم می‌شوند. یک دسته آنهایی که در اصل بر پایه طراحی قرار دارند مثل نقاشی و مجسمه سازی و هنرهای وابسته و دسته دیگر آنهایی که بر پایه طراحی مستقر نیستند مثل موسیقی و ادبیات و هنرهای وابسته. ولی رقص و سینما حالت دوگانه دارند یعنی از امکانات و خصوصیات هر دو دسته برخوردار می‌باشند. و اما هنرهای معماری دو وظیفه را عهده‌دار است. یکی عملکرد و دیگری زیبایی. یعنی برآوردن نیازهای فیزیکی و نیازهای متافیزیکی. برای روشن شدن مطلب ساختمان یک خانه مسکونی را در نظر می‌گیریم، از یک طرف عوامل تشکیل دهنده یک خانه مثل تالار پذیرایی و آشپزخانه و ناهار خوری و اطاق‌های خواب و حمام باید طوری در جاهای مناسب پیش بینی شده باشند که به نحو احسن راحتی افراد خانواده و واردین را تأمین کنند (نیازهای فیزیکی). از طرف دیگر در ترکیب عوامل سازنده خانه مثل ستون و دیوار و در و پنجره و نورگیر و انتخاب مصالح برای نماها و تناسب و تلفیق حجم‌های کلی و رنگ و جنس در نهایت زیبایی چشم را نوازش دهند و آرامش روحی را سبب گردند (نیازهای متافیزیکی). نهایتاً اگر یک خانه مسکونی از جهت عملکرد بی نقص باشد ولی از نظر زیبایی جوابگوی روحیات ما نباشد هنر معماری لنگی دارد و ناقص است.

همچنین هنر سینما نیز دو وظیفه را باید برآورده سازد. یکی تهیه سناریو یا نمایش نویسی که باید در نهایت کمال و زیبایی باشد و دیگری تصویر سازی و هنر نمایشی که هر دو لازم و ملزوم یکدیگرند تا این هنر به صورت کامل بیننده را راضی و خشنود نماید.

و اما شرایطی را که یک اثر هنری از نظر زیبایی باید دارا باشد تا به درجه اصالت و کمال رسیده و شناخته شود به اعتقاد هنرشناسان عبارتند از: ترکیب، تناسب، تعادل، هماهنگی، مقیاس، تنوع، وحدت، جنسیت، رنگ و غیره توضیحاً گفته می‌شود که مثلاً اگر یک اثر شاعرانه

فاقد هماهنگی و تناسب و تعادل یا وحدت باشد بی شک زیبا نخواهد بود و به عنوان یک اثر هنری به حساب نخواهد آمد یا یک قطعه موسیقی همچنین اگر دارای این شرایط نباشد و در تلفیق جملات موسیقی رعایت قواعد بالا نشده باشد از رده آثار هنری خارج خواهد بود. همچنین است در مورد هنرهای تجسمی مثل نقاشی و پیکر سازی و معماری.

با توجه به مسائل ذکر شده به اعتقاد من، دو دسته کردن هنرها به صورت پایه گذاری دسته اول بر اصول طراحی و دسته دیگر خارج از این اصول درست به نظر نمی‌رسد. زیرا شرایط ذکر شده در بالا به منظور ایجاد زیبایی همه هنرهای هفتگانه را شامل می‌شود بنابراین تقسیم بندی هنرها به دو یا چند دسته قابل قبول به نظر نمی‌رسد زیرا بهر صورت ریشه یکی است چنان که شنیده‌ایم فلان اثر معماری یک شعر حجم دارد و متحجّم است. یا فلان اثر نقاشی یک سمفونی رنگ است. در مواردی ضمن ایجاد زیبایی پیامی هم از طرف هنرمند از طریق خود اثر به شنوندگان و بینندگان داده می‌شود بخصوص در ادبیات و سروده‌های موزون. همچنین در موسیقی. در ادبیات و شعر احتیاجی به ارائه نمونه نیست. همگان در این باره آشنائی کامل دارند. در موسیقی نمونه‌های زیاد وجود دارد. از جمله توجه کنیم به سمفونی نهم آهنگ ساز بزرگ آلمان بتهوون (Beethoven) که سراسر این آهنگ روی پیام دوستی و یگانگی نوع بشر ساخته شده. بخصوص در قسمت همسرانی آخر از اشعار شیلر (Schiller) در باب همین پیام استفاده شده است. نمونه دیگر در هنر پیکر تراشی تندیس داوود است در فلورانس اثر هنرمند بزرگ رنسانس میکل آنژ (Michelangelo). این مجسمه که به سفارش حکام وقت فلورانس در قطعه بزرگی از سنگ مرمر تراشیده شده است باید نمایشگر قدرت حکومت و شهر فلورانس باشد. داستان او را همه می‌دانند. داوود که یکی از پیغمبران قوم یهود است در جوانی به کار چوپانی و رمه داری می‌پرداخت. هیولای نیرومندی به نام گولیات (Goliath) یا جولیات یا جالوت دائماً به قوم یهود تجاوز می‌کرد و ظلم و ستم فراوان روا می‌داشت که متأسفانه قوم ستم‌دیده به هیچ صورتی نمی‌توانستند خود را از شرّ این پدیده خلاص کنند. تا این که داوود به نیروی اراده و عزم راسخ داوطلب از بین بردنش گردید و با یک فلاخن و پرتاب سنگ او را نقش بر زمین کرد و سرش را از تن جدا نمود. این نیرو و قدرت داوود همیشه موضوع بسیار جالبی برای هنرمندان بوده است و اغلب در نقاشی و بخصوص در پیکر تراشی از داوود و کار برجسته اش آثار هنری جالبی بجا مانده است. نمونه‌های متعدّد تندیس داود از زمان رنسانس ایتالیا کار هنرمندان بزرگی مانند دوناتلو

(Donatello)، وروکیو (Verrocchio) و میکل آنژ و دیگران در موزه‌های ایتالیا و سایر نقاط جهان نگهداری می‌شود. اغلب این مجسمه‌ها صحنه‌ای را نمایش می‌دهند که داوود سر جولیات را از بدن جدا کرده زیر پا گذاشته یا به دست گرفته است. ولی در یک مورد یعنی شاهکار میکل آنژ اثری از جولیات به چشم نمی‌خورد. اینجا به پیام هنرمند بر می‌خوریم. این مجسمه چون نماد قدرت برای شهر فلورانس بود میکل آنژ فکر کرده است داوود را در لحظه تصمیم‌گیری مجسم سازد. یعنی زمانی که هنوز جولیات کشته نشده. هیچ اثری هم از او در صحنه وجود ندارد. زیرا به عقیده هنرمند دشمن وقتی کشته شد نیرو مصرف شده و دیگر نیروئی وجود ندارد. در صورتی که در لحظه تصمیم‌گیری درست قبل از اقدام به عمل تمام نیرو به صورت متراکم جمع شده تا با قدرت اراده ضربه اصلی را وارد کند. بنابراین هنرمند خواسته است موضوع قدرت را به این ترتیب به نمایش بگذارد. با توجه به خود مجسمه طرز قرار گرفتن پاها و دست‌های داوود و حرکت سر و نگاهش (تنوع و وحدت) تماماً بیانگر همین نیرو هستند. اساساً میکل آنژ در سایر کارهایش نیز به همین شیوه پیام خاص خود را عرضه می‌کند. در نقاشی دیواری که با لئوناردو داوینچی (Leonardo da Vinci) در یکی از کاخ‌ها قرار بود انجام شود لئوناردو صحنه جنگ آنگیاری (Anghiari) را برای خود انتخاب کرد و میکل آنژ صحنه جنگ کاشینا (Cascina) را در نظر گرفت. که آن هم باز نمایشگر لحظه تصمیم‌گیری است. یعنی اردو به حال راحت باش در کنار رودخانه مشغول استراحت است. بعضی سربازان در حال شنا و بعضی دیگر به حالت لمیده کنار آب با خیال راحت نشسته‌اند که ناگهان شیپور آماده باش به صدا در می‌آید. یعنی باز هم نمایش جمع‌آوری نیروی قبل از مصرف. کارتونها و مدل‌های این نقاشی متأسفانه مفقود شده‌اند و خود نقاشی هم هیچ وقت انجام نشد. نقاشی لئوناردو هم در حین عمل به مناسبت آزمایش‌هایی که می‌کرد نتیجه بخش نشد. رنگ‌ها ذوب شد و از بین رفت.

حال بپردازیم به شروع تفکر برای آفرینش یک اثر هنری، موسیقی، نقاشی، پیکر تراشی، معماری و غیره، در موقع ایجاد و شکل‌گیری یک اثر هنرمند سعی می‌کند اول خود را بسازد و آماده کند تا آن چه را که می‌خواهد و کمال مطلوب او است به صورت مبهم و محو در ذهن خود مجسم سازد. برای خود ساختن و آماده شدن امکانات مختلفی هست که الهام بخش ذهنیات یک فرد هنرمند شده هیجانانگیز روحی خاص را برایش فراهم می‌سازد. در ایران ما متداول بود و شاید هنوز هم هست که هنرمندان بوسیله مواد مخدر یا مشروبات الکلی سعی می‌کنند این حالت

آماده سازی را به وجود آورند. این روش به طور قطع روشی ناپسند و غیر قابل قبول بوده و حتی در کارساز بودنش هم شک و تردید است. در مقابل امکانات و عوامل متعددی وجود دارد که خیلی مؤثرتر و نتیجه بخش تر کار می کنند. لزومی ندارد هنرمند در رشته خودش به دنبال الهام گرفتن باشد. چه بسا یک نقاش یا یک معمار از یک قطعه موسیقی یا شعر خیلی بیشتر از سایر عوامل الهام بگیرد و آن چنان هیجانانگیز روحی به او رو آور شوند که در کمترین زمان حالت آمادگی و خودسازی به وجود بیاید. آن وقت است که تحت تأثیر این الهام اولین جرعه های پیدایش اثر مورد نظر در محیله او ظاهر می شود. در اینجا باید نکته ای را مد نظر قرار دهیم. افلاطون می گوید در موقع تفکر و جستجو برای آفرینش اثر هنری اولین جرعه ای که در مغز و محیله هنرمند به وجود می آید ناب ترین و اصیل ترین شکل را دارا است، عامل هنر باید سعی کند تا مرحله انجام قطعی اثرش خلوص خود را حفظ کند و تا جایی که مقدور است از حشو و زوائد و نواقصی که باعث افت فکر اولیه می شود جلوگیری به عمل آورد، یعنی تا آخرین حد امکان جرعه اولی نمایش و اثر نفوذی خود را حفظ کند. برای توجیه این مطلب توجه داشته باشیم که مثلاً در مورد معماری عوامل متعددی می توانند در افت فکر اولیه تأثیر داشته باشند. مثل مسائل اقتصادی از قبیل کمبود وجوه برای هزینه های لازم، یا نقص مهارت های کارگری سازنده، و یا اسباب و آلات لازم برای ساختن و پرداختن بنا و همچنین نبودن یا ناقص بودن مصالح ساختمانی که به هر صورت به شکل و اصول معماری لطمه وارد نماید. در مورد شعر یا نقاشی و سایر هنرها نیز انواع دیگر عوامل منفی دخالت دارند. مثل کمبود واژه ها، یا عدم تلفیق آنها برای به دست آوردن قافیه های لازم. یا در نقاشی به همین صورت مثل عدم مهارت تکنیکی لازم یا نبود بعضی از وسائل از نوع رنگ یا ابزار بخصوص برای طراحی و یا در دسترس نبودن بوم یا کاغذ مورد نظر. همه و همه در افت کار دخالت دارند. مسائل نامبرده در ایجاد یک اثر هنری ایدآل اهمیت فراوان دارند. و توجه به جزئیات و اطراف و جوانب کار نباید به دست فراموشی سپرده شود.

حال بپردازیم به شرح و توضیح در باره تناسبات طلائی در هنرهای تجسمی. یونانیان قدیم در حدود ۲۵۰۰ سال پیش چه در زمینه معماری و چه در زمینه پیکر تراشی شاهکارهای فوق العاده ای به وجود آورده اند که طی قرون سمرشق خیلی از هنرمندان و سبک های متعدد بوده است. در مورد تناسبات اشکال ناب هندسی مثل مربع و دایره مد نظر آنها بوده و مخصوصاً اصل و مبنای مربع برای تناسبات خالص زیبا طرف توجه همیشگی بوده است. ساختن یک تناسب طلائی از راه

هندسی به این صورت است که با ضلع و قطر مربع یک مستطیل رسم می‌کنند که چون قطر این مربع (رادیکال ۲) است این مستطیل هم به عنوان رادیکال ۲ اولین مستطیل تناسب طلائی نامگذاری می‌شود. قطر همین مستطیل (رادیکال ۳) با ضلع کوچکتر خود که همان ضلع مربع اولی است مستطیل دیگری می‌سازد (رادیکال ۳) که دومین مستطیل تناسب طلائی است و قطر این مستطیل (رادیکال ۴) با ضلع مربع اول مستطیل (رادیکال ۴) را تشکیل می‌دهد که یک تناسب یک بر دو می‌باشد. و خود یک بر دو جزو تناسبات طلائی است. این طریق تا رادیکال ۵ پیش می‌رود و تماماً تناسبات طلائی هستند. (۱)

استفاده از این تناسبات در بنا به ترتیبی بوده است که مستطیل‌های نامبرده را یا به صورت انفرادی یا به صورت جمعی به طریقی که تنگ هم چیده شوند ترسیم می‌کردند تا یک نقشه راهنما به وجود آید. و بعد عوامل و عناصر معماری را که عبارت باشند از ستون و قرنیز و در و پنجره درست روی نقشه راهنما رسم می‌کردند که در این صورت یک نمای کامل با تناسبات طلائی به وجود می‌آید. به عنوان مثال در هنر معماری مجموعه آکروپولیس (Acropolis) را در آتن بررسی می‌کنیم. این مجتمع که قدمت ساختمان آن متجاوز از ۵۰ سال بعد از ساختمان تخت جمشید بوده است شامل چند بنا می‌باشد که مهم‌ترین آنها معبد پارتن است. تناسبات نماها همان طور که در شکل مربوط به پارتن دیده می‌شود کلاً طلائی هستند و عناصر معماری بر روی همان نقشه راهنما طرح ریزی شده که بسیار جالب است. (۲)

در اینجا نکته قابل توجه این است که شکل مربع به عنوان اساس تناسبات از کجا پیدا شده که این قدر اهمیت یافته است. به نقشه تخت جمشید نگاه می‌کنیم مربع اساس تناسب کاخ‌ها و جزئیات آنها و سایر بناها است. و با شگفتی می‌بینیم در نقشه بناها آنچه که ساخته شده چه بزرگ و چه کوچک تماماً بر اساس مربع طرح شده (کاخ آپادانا، کاخ صد ستون، کاخ داریوش اول بنام تچر، دروازه ملل و غیره) و در کلیات و جزئیات فقط مربع به چشم می‌خورد. آیا با ارتباطات علمی و فرهنگی و سیاسی آن زمان به نظر نمی‌رسد که مربع مورد علاقه هخامنشیان روی افکار یونانیان اثرگذار بوده باشد؟ (۳)

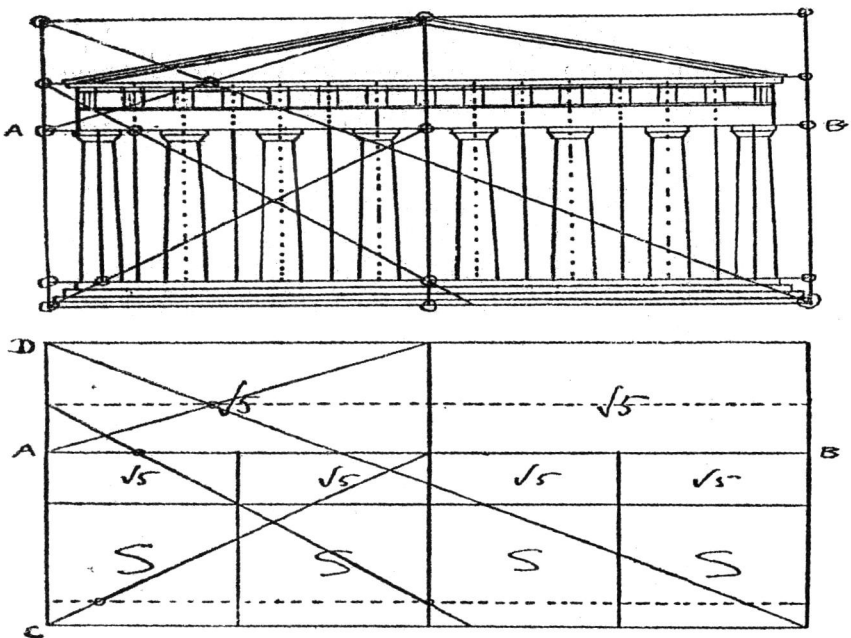
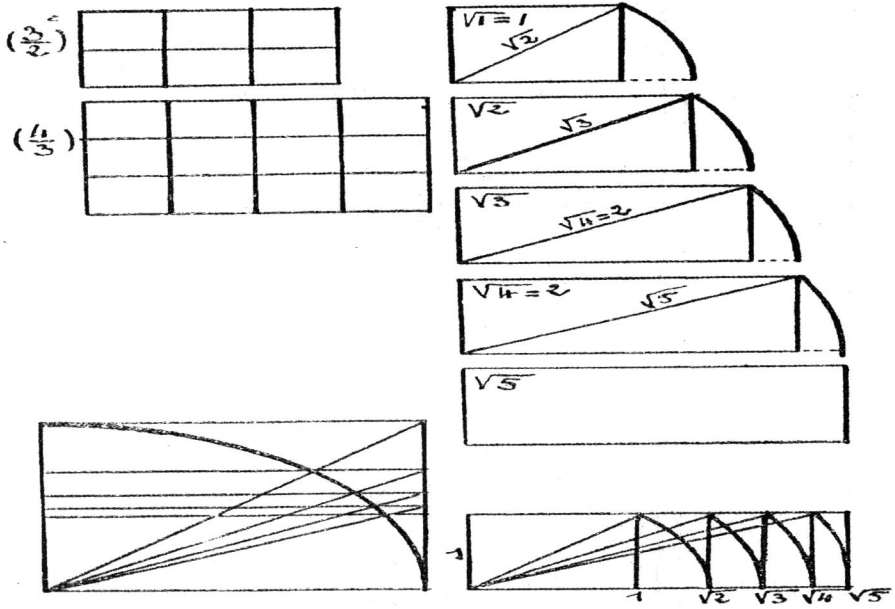
شگفتی دیگر من این است که چند سال پیش در پاریس با یکی از دانشجویان قدیمی خودم برخورد داشتم که طبعاً از حال و پیشرفت کارهایش جويا شدم. او می‌گفت به دنبال همین اطلاعاتی که در بالا ذکر شد و سال‌ها پیش در دانشکده ضمن تعلیم دانشجویان برایشان شرح

داده بودم بعد از انقلاب در دانشگاه پاریس پژوهش زیادی کرده. و ضمن تحقیق روی کتاب‌های خطی فارسی مصور با مینیاتور به این نتیجه رسیده است که تقسیم بندی صفحات حاوی تصویر کادرهائی را تشکیل می‌دهند که تماماً بر اساس تناسبات طلائی شکل گرفته‌اند. و این مطلب باز انسان را به فکر وادار می‌دارد که چطور این دانش هندسی طی قرن‌ها مورد استفاده هنرمندان ایرانی بوده است. دانشجوی نامبرده این تحقیقات را به عنوان پایان نامه تحصیلی به دانشگاه مربوطه ارائه داده و موفقاً به دریافت درجه دکتری شده است.

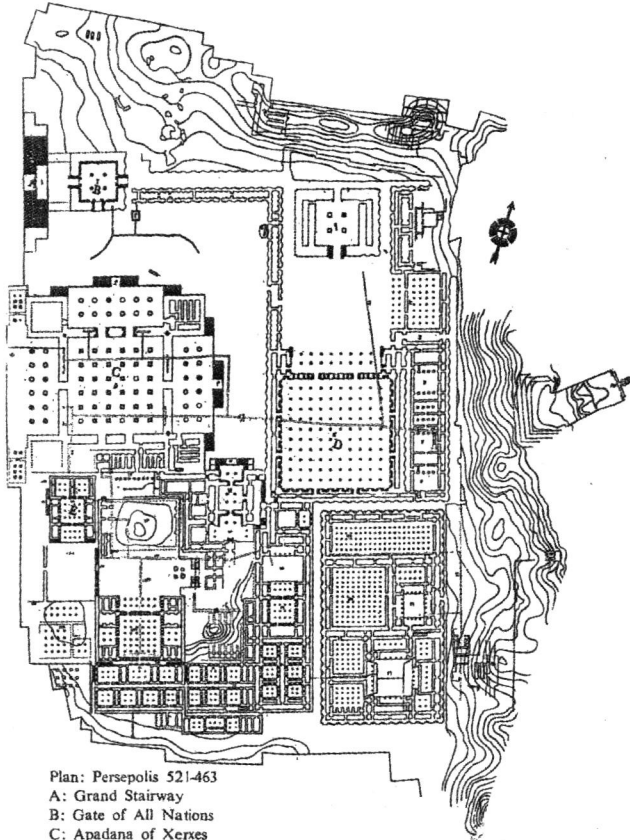
جدا از تناسبات طلائی به یکی از رموز اعداد برخورد می‌کنیم که نتیجه آن دسترسی به تناسبات زیبای دیگر از طریق ریاضی است. و شرح آن این است: از عدد یک شروع می‌کنیم. یک را با عدد بعدی یعنی دو برای ساختن اولین مربع مستطیل با تناسب زیبا به کار می‌بریم که ضمناً یک تناسب طلائی هم هست بعد عدد یک را با دو جمع می‌کنیم می‌شود ۳ و مستطیل دو در سه یک تناسب زیبا است عدد سه را با عدد قبلی یعنی دو جمع می‌کنیم می‌شود پنج و مستطیل سه در پنج دارای تناسب زیبا است. ادامه این طریقه مستطیل‌هائی را به وجود می‌آورد که تماماً زیبا هستند. در تناسبات سنتی ایران هم شاهد بعضی از آنها هستیم مثل اطاق یا فرش یا حوض پنج در هشت و این مطلب باز قابل پژوهش است.

در پایان برای اطلاع دوستان باید عرض کنم در خیلی از کارهای معماری که انجام داده‌ام تناسبات طلائی و همچنین طرح راهنما را به کار برده‌ام. به عنوان نمونه آرامگاه بوعلی بر اساس مربع ساخته شده چه در نقشه و چه در نما. خود آرامگاه در یک تالار مربع شکل جا گرفته و طرح سنگ مزار هم به صورت مربع است. (۴)

در نمای اصلی برج دوازده ترک و ایوان ورودی مجموعاً در یک مربع محاط شده‌اند. از این مربع به طرف راست یک مستطیل رادیکال سه قسمت رسم شده که قسمت پایانی دیوار سنگ چین را می‌سازد و از طرف چپ نصف مربع اصلی خط پایانی دیوار پلکان را تعیین می‌کند.



تصویر ۳



Plan: Persepolis 521-463
A: Grand Stairway
B: Gate of All Nations
C: Apadana of Xerxes
D: Hall of a Hundred Columns
E: Palace of Darius

نقشه کاخ های تخت جمشید

تصویر ۴

